

درس خواندن قرآن

و با خوش حالی پیش مادر بزرگم رفتم. مادر بزرگم روی سجاده اش نشسته بود. او همیشه پس از خواندن نماز، قرآن را باز می کرد و صلوات می فرستاد. ضبط را روشن کردم و سیدی را داخل ضبط گذاشتم. آن وقت با مادر بزرگم سوره های قرآن را خط بردیم و با هم کلمات را تکرار کردیم. به مادر بزرگم گفتم: امروز یاد گرفتم که برای خوب خواندن قرآن راه های مختلفی وجود دارد. درست مثل کاری که من و شما انجام می دهیم. مادر بزرگم با خوش حالی من را بغل کرد و بوسید و گفت: آفرین به نوه عزیزم.

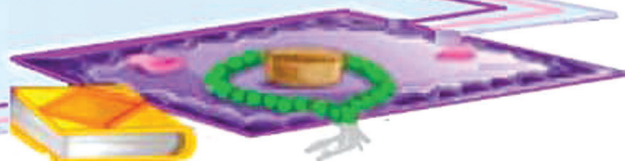
مادر بزرگ قرآن خواندن را خیلی دوست داشت اما خیلی خوب بلد نبود. او می گفت: در این روزهای خوب رمضان، کاش با خواندن قرآن به میهمانی خدا می رفتم. خواندن قرآن در ماه رمضان خیلی ثواب دارد. یک روز پیش خواهر بزرگم رفتم و موضوع را به او گفتم. خواهرم گفت: یاد گرفتن راه های مختلفی دارد. خوب دیدن، خوب گوش کردن، خوب فکر کردن و تکرار کردن راه های یادگیری است. تو می توانی به مادر بزرگ کمک کنی تا خواندن قرآن را یاد بگیرد. گفتم: چطوری؟ خواهرم از اتاقش ضبط و سیدی را آورد و به من داد و گفت: این سیدی قرآن است، می توانید آن را هر روز خوب گوش کنید. بعد با تکرار کردن کلمات و خط بردن قرآن کم کم خواندن قرآن را یاد بگیرید. خواهرم را بوسیدم. سیدی و ضبط را از او گرفتم

فنا صدک

شماره ۳۹
۲۷ فروردین
۱۴۰۱

دانش آموزان
بخوانیم

۶



نویسنده و تصویرگر: طاهره عرفانی